

شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا

روح الله شاکری زواردهی^۱ رضا ابروش^{۲*}

چکیده

شیوع و همه‌گیری بیماری کرونا، یک مسئله عمومی و حیاتی است که همه‌ی نظام‌های اجتماعی را درگیر نموده است. نهادها و مراکز ذی‌ربط سیاست‌هایی را اتخاذ می‌نمایند تا این بحران را مدیریت و کنترل نمایند. در این بین یکسری عوامل که ریشه در بافتارهای فرهنگی جوامع دارند، می‌توانند به عنوان عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا ایفای نقش نمایند. هدف این پژوهش شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌باشد. عوامل فرهنگی به دلیل ریشه در نظام باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی جوامع، نقش مهمی در حمایت و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا دارند. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و اکتشافی است و از نظر هدف یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود که برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان بهره می‌جوید. سپس اطلاعات گردآوری شده با روش تحلیل مضامین (شبکه مضامین) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای بررسی پایایی پژوهش نیز از ضریب پایایی هولستی استفاده می‌شود. سرانجام «برجسته سازی»، «نهادهای مذهبی»، «اخلاق شهروندی»، «اعتماد عمومی»، «همسوسازی سیاست‌های فرهنگی و بهداشتی» و «تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق و سازگار» به عنوان عوامل مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا شناسایی شدند. در نتیجه هر یک از عوامل فوق به عنوان یک عامل فرهنگی، می‌تواند بر پیاده‌سازی سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذار بوده و زمینه تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را تسهیل و مورد حمایت قرار دهد.

واژگان کلیدی

عوامل فرهنگی، کرونا، نهادهای مذهبی، برجسته سازی، حمایت اجتماعی.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه شیعه شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران Shaker.i@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران Abraresh@maaref.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

۱. مقدمه

فراگیری بیماری کرونا و اختلال در روند زندگی طبیعی مردم موجب شد تا پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه علوم انسانی و اجتماعی، به آن توجه نموده و محور مطالعات و بررسی‌های خود را معطوف به آن سازند. یکی از موضوعات قابل توجه در این حوزه، سیاستگذاری مقابله با کرونا می‌باشد. به منظور مدیریت این بحران اجتماعی که امروزه سلامت انسان را به مخاطره افکنده است، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط به دنبال عوامل و سیاست‌هایی هستند که بتواند تأثیر چشمگیری بر کاهش این بیماری و مبارزه با آن داشته باشد. متأسفانه در پاره‌ای از موارد سیاست‌های مقابله با کرونا مورد بی‌مهری واقع شده و از جانب مردم مورد حمایت و استقبال قرار نمی‌گیرد. لازمه حمایت‌های مردمی از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا روی آوردن به روحیه مشارکتی در سیاستگذاری است به طوری که امروزه تقویت روحیه مشارکت طلبی در سرتاسر جهان مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است (قمیشان، ۱۳۹۸: ۳۳). رویکرد مشارکتی می‌تواند زمینه و بستر اجرای سیاست‌ها را فراهم نماید. به همین دلیل سیاستگذاران با تمرکز بر نقش عوامل فرهنگی، می‌توانند از ظرفیت‌های فرهنگی موجود در جامعه برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بهره‌جویند. در این راستا شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. عوامل فرهنگی به دلیل ریشه داشتن در بافتارهای نظام فرهنگی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. آمیختگی عوامل فرهنگی با نظام‌های ارزشی، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی موجب می‌شود سیاستگذاران برای تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بر عوامل فرهنگی تمرکز نموده و از فرصت عوامل فرهنگی در مقابله با کرونا استفاده نمایند. به همین دلیل می‌توان این عوامل را از مراحل فراسیاستگذاری برشمرد که از طریق پردازش ارزش‌های فرهنگی و مسائل اجتماعی مرتبط به آن به دست می‌آید. جایگاه فرهنگ در نظام‌های اجتماعی موجب می‌شود تا سیاستگذاران به منظور اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، نسبت به آنها اهتمام ویژه داشته و از ظرفیت‌های آن برای تحقق و پیشبرد اهداف خود بهره‌جویند. به همین منظور عوامل فرهنگی می‌توانند به عنوان یک پشتیبان برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. بنابراین ضروری می‌نماید تا پژوهشی در این خصوص انجام شود و عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست-

های مقابله با کرونا را مورد شناسائی قرار دهد. هدف این پژوهش نیز شناسائی این عوامل فرهنگی می‌باشد که نیازمند پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی است. آنچه در این پژوهش به عنوان دغدغه و مسئله پژوهش محسوب می‌شود، شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌باشد. در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود چه عوامل فرهنگی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذار می‌باشند؟

۲. پیشینه نظری پژوهش

کرونا از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. به همین دلیل پژوهشگران متناسب با حوزه‌های تخصصی خود به این موضوع پرداختند. برخی از مهمترین ابعادی که در حوزه علوم انسانی به موضوع کرونا پرداخته شده است را می‌توان در ابعاد: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و مدیریت و حکمرانی برشمرد. مقاله «نقش معنویت و شبیه‌زدائی در بهبود بیماری‌های فراگیر» تلاش نموده تا با بررسی‌های تجربی در خصوص اثرگذاری معنویت در بهبود بیماری‌های فراگیر گامی در رواج توجه به معنویت برای بهبودی بیماران بردارد. (سنجری و گلپایگانی، ۱۳۹۹) در پژوهش دیگری با عنوان «مواجهه ارزش‌های دینی و بلایای همه‌گیر: فرصت‌ها و چالش‌ها» نقش و کارکرد ارزش‌های دینی در بلایای همه‌گیر در طول تاریخ ادیان جهان مورد بررسی قرار داده است. (کلان‌فریبائی، ۱۳۹۹) پژوهش دیگری با عنوان «بحران کرونا و بازاندیشی فرهنگی در ایران» به تغییرات مهم در جنبه‌های زندگی روزمره مردم در سه سطح سوژه (فردی)، ساختاری (عرف، آئین‌ها و نهادها) و سیستمی (بازار و نظام حکمرانی) پرداخته است. (فاضلی، ۱۳۹۹) برخی دیگر از مطالعات انجام شده نیز صرفاً به به ارائه توصیه‌های ایمنی برای عموم مردم، توصیه برای مدافعان سلامت، توصیه برای کودکان و نوجوانان، توصیه برای سالخوردگان و بیماران دارای بیماری زمینه‌ای و توصیه برای افراد تنها اکتفا نموده‌اند. با این وجود اگرچه مسئله کرونا از رویکردهای گوناگون مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است، ولی متأسفانه پژوهشی که به طور خاص به دنبال شناسائی و کشف عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا باشد، انجام نشده است.

۲-۱. نقش فرهنگ در سیاستگذاری

فرهنگ یک بُعد مهم جامعه‌ی انسانی و به قولی وجه تمایز انسان از حیوان است، فرهنگ در جامعه اثری به مراتب بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی دارد. در واقع هیچ نهاد اجتماعی را نمی‌توان یافت که خارج از فرهنگ جامعه باشد (روح الامینی، ۱۳۷۲: ۴۲). از این‌رو فرهنگ را می‌توان به عنوان تأمین‌کننده اصلی پتانسیل حرکت جامعه برشمرد (نادری و ابروش، ۱۳۹۲: ۱۰۵). فرهنگ از طریق هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می‌کند برایشان انگیزه و آمادگی ذهنی جهت کنش را فراهم می‌سازد (روشه ۱۳۷۶: ۶۶). بنابراین با توجه به آنچه پیرامون فرهنگ بیان شد، فرهنگ از طریق نظام ارزش‌ها می‌تواند کنش‌های انسانی را منطبق با سیاست‌های مقابله با کرونا قرار دهد. این موضوع می‌تواند مورد توجه سیاستگذاری بخش عمومی و به ویژه بهداشتی برای مقابله با کرونا قرار گیرد. براساس مطالعات انجام شده پیرامون تأثیرگذاری فرهنگ بر کرونا و مسائل مرتبط با آن، باورها و ارزشهای فرهنگی می‌توانند به موفقیت یا شکست تلاش‌های جهانی برای مهار شیوع کرونا کمک کنند (مک‌کی، ۲۰۲۰: ۳۶۹). نتایج این پژوهش‌ها بیانگر کارکرد فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی جوامع بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌باشد.

۲۲۰

۳-۲. فراسیاستگذاری در سیاستگذاری

رویکرد انتقادی در سیاستگذاری با ارائه انتقاد به رویکردهای عقلانی، مدل‌های تغییر شکل‌یافته‌ای از سیاستگذاری را عرضه می‌نمایند. در رویکرد انتقادی، سیاستگذاران با تمرکز بر رفع نواقص رویکردهای عقلانی، بر این اعتقادند که در سیاستگذاری حوزه‌ای از فهم فراعقلانی وجود دارد که بر پایه آگاهی ضمنی و تجربه فردی بنا شده است (درور، ۲۰۱۷: ۱۵-۱۶). به همین دلیل در فرایند سیاستگذاری نمی‌توان از فراسیاستگذاری^۱ غافل شد. در این مرحله سیاستگذاران مبتنی بر پردازش ارزش‌ها، پردازش واقعیت و پردازش مسائل، به تحلیل سیاست‌ها و سیاستگذاری مبادرت می‌ورزند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۲۸۱). فراسیاستگذاری را می‌توان یک مرحله از سیاستگذاری تلقی نمود که با بررسی و پردازش

^۱ meta policy making

ارزش‌ها و مسائل اجتماعی، زمینه تحقق و اجرای سیاست‌ها را فراهم می‌سازد. پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌های اجتماعی و مسائل را نمی‌توان بیگانه از بافتارهای فرهنگی جوامع دانست. به همین دلیل سیاستگذاران در فراسیاستگذاری از طریق پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی می‌توانند نقش و کارکرد فرهنگ‌ها و عوامل فرهنگی را در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا مورد تحلیل قرار دهند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و اکتشافی می‌باشد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و مصاحبه شونده‌گان به روش گلوله برفی شناسائی شدند. در واقع پژوهشگر برای دستیابی به اطلاعات کامل و جامع نیازمند استفاده از روش گلوله برفی است. زیرا از این طریق با استفاده از ظرفیت برخی از خبرگان می‌تواند خبرگان دیگر در این حوزه را شناسائی و مورد مصاحبه قرار دهد. از سوی دیگر پژوهشگر برای تکمیل داده‌ها به برخی از مصاحبه‌های مکتوب که توسط برخی از سازمانها و پژوهشگران دیگر انجام شده مراجعه می‌نماید. این اسناد و مدارک شامل مصاحبه‌هایی است که در برخی از مراکز و سازمان‌ها و یا خبرگزاری‌ها نمایه شده است. در این بین برخی از گزارش‌های ارائه شده از قبیل گزارش مرکز افکارسنجی ایرانیان که پیرامون کرونا و ابعاد آن انجام شده نیز مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به نو بودن این پژوهش، پژوهشگر ناگزیر است از منابع متعدد اطلاعات را گردآوری نماید. پژوهشگر فرایند گردآوری اطلاعات را تا مرحله اشباع نظری ادامه داد. به طوریکه پس از گردآوری اطلاعات عمده، اطلاعات تکراری بود و داده‌ی جدیدی برای پژوهشگر از مصاحبه‌های مستقیم و غیر مستقیم فراهم نمی‌شد. افرادی که در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند برخی از کارشناسان با تجربه در مراکز ذی‌ربط و خبرگان مطلع و آگاه یا حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی بودند و البته برخی از مصاحبه شونده‌گان از جامعه علمی و دانشگاهی بودند. تعداد افراد مصاحبه شونده ۱۵ نفر می‌باشد که دارای مدرک کارشناس، کارشناسی ارشد، دکتری تخصصی و برخی نیز از دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه می‌باشند.

سپس به منظور تحلیل اطلاعات گردآوری شده از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی می‌باشد که قابلیت ارائه‌ی یک گزارش

غنی، دقیق و در عین حال پیچیده‌ای از داده‌ها را دارد (برایون و کلارک، ۲۰۰۶: ۸۱). ویژگی منحصر به فرد روش تحلیل مضمون در این است که به یک دیدگاه و رویکرد معرفت‌شناسی خاص مبتنی نیست و این باعث می‌شود تا از انعطاف بیشتری نسبت به سایر روش‌ها برخوردار باشد و قابلیت استفاده گسترده‌ای را در پژوهش‌های کیفی داشته باشد (مگوری و دلاهورت، ۲۰۱۷: ۳۳۵۲). مزیت استفاده از این روش در این پژوهش در این است که به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها اهمیت بسزائی می‌دهد (نامی و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۳۸). برای اجرا و استفاده از تحلیل مضامین، روش‌های گوناگونی وجود دارد. روش تحلیل «شبکه مضامین»^۱ یکی از روش‌های مطرح در تحلیل مضامین می‌باشد. تحلیل شبکه مضامین به دنبال کشف موضوعات برجسته در متن در سطوح مختلف است به طوریکه قابلیت ارائه نقشه‌ای شبیه تارنما از یافته‌های پژوهش را دارد (اتراید استیرلینگ، ۲۰۰۱: ۳۸۷). در این پژوهش اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه‌ها و برخی گزارشات و اسناد و مدارک موجود پیرامون کرونا و مقابله با آن، با روش تحلیل مضامین شبکه مورد تحلیل قرار گرفت. در ابتدا هر یک از گزاره‌ها و متن‌های به دست آمده، مورد تحلیل قرار گرفت و یک مضمون به عنوان مضمون پایه به آن اختصاص داده شد. در این مرحله ۱۴ مضمون پایه ایجاد شد. سپس براساس قاعده مقایسه و مشابهت هر یک از مضامین پایه در یک مضمون انتزاعی و کلی به نام مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. در این مرحله ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده در قالب مقوله‌ها شکل گرفت. در نهایت ۶ مضمون فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده ایجاد شد. مضامین فراگیر به عنوان عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب می‌شوند. جدول ۱ نمونه‌ای از فرایند تحلیل مضامین در این پژوهش را نشان می‌دهد:^۲

^۱ Thematic networks .

^۲ . به دلیل محدودیت در حجم مقاله از ذکر جدول کامل و تحلیل مضامین پایه اجتناب می‌شود.

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان- دهنده	مضامین فراگیر
۱.	تأثیرگذاری بر افکار مردم	هدایت فکری و ذهنی	برجسته‌سازی
۲.	مدیریت ذهن عامه مردم		
۳.	ارائه الگوهای رفتاری	جهت دهی به رفتار	
۴.	تقویت رفتارهای مثبت		
۵.	تعامل با رسانه	بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌ها	
۶.	حضور کارشناس در رسانه		
۷.	ایجاد گفتمان در فضای مجازی و رسانه		
۸.	گسترش توصیه‌های بهداشتی در جامعه	ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم	
۹.	حضور کادر بهداشت و درمان در رسانه‌ها		
۱۰.	تمرکز بر اطلاعات بهداشتی		
۱۱.	استفاده از ظرفیت آموزشی مقاطع پیش از دانشگاه		
۱۲.	حضور کارآمد مساجد در مدیریت آسیب‌ها	استفاده از ظرفیت مسجد	نهادهای مذهبی
۱۳.	بهره‌مندی از فرصت ارزشی مساجد		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان- دهنده	مضامین فراگیر
۱۴	ترویج ارزش‌های بهداشتی در بقاع متبرکه	استفاده از شبکه- های معنوی	
۱۵	احیا و تعالی فرهنگ اجتماعی در اماکن مذهبی		
۱۶	توجه به سلامت جمعی	تمرکز بر اخلاق اجتماعی	اخلاق شهروندی
۱۷	توسعه اخلاق در جامعه		
۱۸	ارتقا مسئولیت پذیری جمعی در جامعه		
۱۹	محوریت ارزش‌ها در سیاست‌گذاری	محور قرار دادن ارزش‌ها	
۲۰	تمرکز بر انگیزه‌های ارزشی-فرهنگی		
۲۱	تبیین تأثیر اقدامات مردم در اجرای سیاست‌ها	جلب اعتماد عامه مردم	اعتماد عمومی
۲۲	خنثی سازی اخبار جعلی فضای مجازی		
۲۳	ایجاد نگرش در آحاد افراد جامعه	تمرکز بر مشارکت و همراهی مردم	
۲۴	توجه به انتظارات مردم در سیاستگذاری		
۲۵	تأثیر فرهنگ بر اجرای سیاست‌ها	تأثیر زمینه‌های فرهنگی در اجرای سیاست	همسویی با نظام‌های فرهنگی
۲۶	فرهنگ عاملی درونی در انطباق رفتارها با		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان- دهنده	مضامین فراگیر
	سیاست		
۲۷.	غفلت از موانع درون فرهنگی	توجه به تعارض‌های درون سیاسی	
۲۸.	تناقض و تضاد سیاست‌ها بین سازمان‌های ذی‌ربط		
۲۹.	وجود فرهنگ‌های همگام و سازگار با سیاست‌ها	تشویق فرهنگ‌های همراه با سیاست	تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق
۳۰.	حمایت سیاستگذار از فرهنگ‌های همراه		
۳۱.	وجود برخی فرهنگ‌های مخالف با سیاست‌ها	وجود مخالفت‌های فرهنگی	
۳۲.	نادیده انگاشتن پروتکل‌های بهداشتی		
۳۳.	توجیه برخی گروه‌های فرهنگی برای عدم پیروی از سیاست‌های بهداشتی		

جدول ۱: فرایند تحلیل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

۳-۱. روائی و پایایی پژوهش:

به منظور بررسی روائی داده‌ها در پژوهش‌های کیفی رویکردهای مختلفی وجود دارد زیرا نمی‌توان معیار روائی در پژوهش‌های کمی را به پژوهش‌های کیفی تسری داد. به همین

دلیل پژوهشگران کیفی در مورد معیار روایی پژوهش رویکردهای متفاوتی دارند. برخی معتقدند که معیار روایی در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر «موثق و قابل اعتماد بودن»^۱ و «امانتداری»^۲ می‌باشد (جانسون، ۱۹۷۷: ۲۸۲). برخی نیز روایی پژوهش‌های کیفی را در گرو صحت داده‌ها و اطلاعات به دست آمده می‌دانند (ماکسول، ۱۹۹۲: ۲۸۲). از این‌رو معیار روایی در این پژوهش بر این استوار است که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر و افراد مورد اطمینان به دست آمده است. گردآوری اطلاعات از منابع و خبرگان معتبر موجب افزایش اعتماد و اطمینان به داده‌ها می‌شود و بیانگر افزایش سطح نسبی صحت داده‌ها و اطلاعات خواهد بود.

به منظور بررسی پایایی پژوهش از ضریب پایایی هولستی استفاده می‌شود. در این روش پژوهشگر برخی از مضامین ایجاد شده را در اختیار تعدادی خبره قرار می‌دهد تا درصد توافق میان آنان را اندازه‌گیری نماید (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۱۹-۲۲۰). در این روش برای محاسبه پایایی باید «درصد توافق مشاهده‌شده»^۳ را طبق فرمول ذیل به دست آورد. در صورتیکه میزان آن از ۶۰ درصد بیشتر باشد در اینصورت پایایی پژوهش مطلوب و مورد تأیید است. در این روش براساس فرمول ذیل عمل می‌شود:

$$PAO = \frac{M2}{N1 + N2}$$

در فرمول مذکور، M تعداد کلیه موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار می‌باشد، و N_۱ و N_۲ تعداد کلیه موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم می‌باشد. مقدار PAO بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از ۷۰٪ بزرگتر باشد مطلوب می‌باشد. (همان)

در این پژوهش برخی از مضامین ایجاد شده در اختیار دو نفر از خبرگان قرار گرفت و

^۱ . credible

^۲ . Trustworthiness

^۳ . Percentage of Agreement Observation

براساس فرمول PAO، پایائی مضامین ایجاد شده ۰/۷۰۱ می‌باشد. بنابراین پایائی این پژوهش که در ذیل محاسبات آن ارائه شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

$$\frac{40 \times 2}{114} = 0.701$$

۴. یافته‌ها

عوامل فرهنگی تأثیرات قابل توجهی برای مقابله با کرونا دارند. عوامل فرهنگی به دلیل اینکه ریشه در بافتارهای فرهنگی جوامع دارند، رفتارهای مخاطره آمیز بهداشتی شهروندان را مورد کنترل قرار داده و زمینه هدایت رفتارهای بهداشتی در شهروندان و آحاد افراد جامعه را فراهم می‌سازند. به همین منظور نهادها و سازمان‌ها ذی‌ربط در سیاستگذاری‌های مقابله با کرونا نمی‌توانند، نسبت به عوامل فرهنگی مؤثر بر مقابله با کرونا بی‌تفاوت باشند. درواقع سیاستگذاران ذی‌ربط به منظور ارتقاء سطح ایمنی و بهداشت جامعه ناگزیرند، عوامل فرهنگی را مورد توجه قرار دهند. این عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، نقش مهمی در مدیریت و کنترل اپیدمی کرونا و مخاطرات مربوط به آن دارند. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا در ذیل مورد تبیین قرار می‌گیرند:

۴-۱. برجسته‌سازی

مضمون برجسته‌سازی به عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از مضامین سازمان‌دهنده «هدایت فکری و ذهنی»، «جهت‌دهی به رفتار»، «بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌ها» و «ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم» ایجاد شده است. هر یک از این مضامین سازمان‌دهنده به نوعی با رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای مرتبط است. در واقع مفهومی که به عنوان یک مضمون فراگیر می‌تواند مضامین هدایت فکری و ذهنی، جهت‌دهی به رفتار و بهره‌مندی از ظرفیت‌های رسانه‌ها و ارائه اطلاعات بهداشتی به مردم در سطحی گسترده را در برگیرد، مضمون برجسته‌سازی است و این برجسته‌سازی عمدتاً در

فضای عمومی و گسترده مردمی توسط رسانه‌ها انجام و اجرا می‌شوند. به همین دلیل نمی‌توان نقش و تأثیر رسانه را در هدایت افکار و جهت‌دهی به رفتارهای فرهنگی مردم برای مقابله با کرونا نادیده انگاشت. تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها را برجسته‌سازی ۱ گویند؛ به این معنا که رسانه‌ها با برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند و موضوعاتی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند تعیین می‌کنند (شاکری، ۱۳۸۴: ۷۲). با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، ارائه اطلاعات کارشناسی به مردم می‌تواند موجب پیروی و انطباق رفتارهای جمعی با دستورالعمل‌های بهداشتی باشد. تداوم و فراگیری نظرات کارشناسی پیرامون کرونا و مسائل مرتبط با آن می‌تواند نوعی هنجار جمعی در جامعه ایجاد نماید. در همین راستا گسترش اطلاعات صحیح و بهداشتی پیرامون کرونا و دستورالعمل‌های بهداشتی از طریق فضای رسانه‌ای نقش مهمی در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا خواهد داشت. رسانه‌ها با هدایت افکار و جهت‌بخشی به رفتار، موجب اصلاح نگاه و نگرش مردم به کرونا و واقعیت‌های مرتبط با آن می‌شوند. این تأثیرگذار رسانه بر بسیاری از مسائل اجتماعی غیر قابل انکار است به طوریکه گفته می‌شود، اگرچه رسانه‌ها نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» بیندیشند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره‌ی چه» بیندیشند (لازار، ۱۳۸۵: ۱۴). به همین دلیل برجسته‌سازی می‌تواند نگرش‌های ذهنی افراد، نسبت به رعایت مسائل بهداشتی را مدیریت نماید. رسانه‌ها با حمایت و تشویق رفتارهای هنجارمند و منطبق با دستورالعمل‌های بهداشتی، می‌توانند شاخص‌های رفتار مناسب و ایده‌آل در شرایط کرونا را ترسیم نمایند. به عنوان مثال انتشار تصاویری از اقدامات پیشگیرانه و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی توسط مراکز فرهنگی، مذهبی و چهره‌های شاخص به ویژه در مناسبت‌های جمعی و مذهبی، تأثیرات مطلوبی بر افکار و رفتارهای مردم خواهد داشت. برجسته‌سازی رفتارهای شاخص توسط رسانه‌ها باعث ارائه الگوهای رفتاری و ترویج آن در تمام سطوح جامعه می‌شود. در این پژوهش برجسته‌سازی به عنوان یک عامل فرهنگی، افکار و رفتارهای کنشگران را در جامعه جهت داده و زمینه‌های انطباق رفتاری آنها با دستورالعمل-

های بهداشتی را مهیا می‌سازد. بنابراین سیاستگذاران با استفاده از برجسته سازی، بینش‌ها و نگرش‌های مردم برای مقابله با کرونا را ایجاد و مدیریت می‌نمایند.

۲-۴. نهادهای مذهبی

در بررسی‌های انجام شده، نهادهای مذهبی به عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از مضامین سازمان‌دهنده «استفاده از ظرفیت مسجد» و «استفاده از شبکه‌های معنوی» شکل گرفته است.

سیاستگذاری اجتماعی به دنبال ایجاد یک زندگی خوب و دارای سلامت حداکثری برای مردم است (دین، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۶). در همین راستا سیاستگذاران اجتماعی و بالتبع سیاستگذاری اجتماعی برای یافتن بهترین راه، سراغ هر فضائی که نیاز باشد می‌رود (همان: ۱۵). در این بین یکی از مهمترین فضاها موجود، نهادهای مذهبی به ویژه مساجد هستند. نقش و کارکرد نهادهای مذهبی در سیاستگذاری‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. براساس مطالعات انجام شده، مسجد در طول تاریخ به عنوان محلی برای رفع نیازهای و مشکلات مردم مورد توجه بوده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۴۲). مسجد میدانی برای بروز رفتارهای عبادی، سیاسی و اجتماعی است، به طوریکه در آغاز ظهور اسلام، بسیاری از امور عمومی و اجتماعی مردم در مسجد حل و فصل می‌شد و یا مساجد در آن امور به نحو شایسته‌ای مؤثر واقع می‌شدند (جاسبی و انصاری، ۱۳۷۵: ۱۵). به همین دلیل مراکز سیاستگذار در عرصه‌های اجتماعی اهتمام جدی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی نهادهای مذهبی و مساجد به منظور مقابله با کرونا دارند.

نهادهای مذهبی مانند مساجد، اماکن زیارتگاهی و حسینیه‌ها در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌توانند به عنوان شبکه‌های اجتماعی ظاهر شوند. این شبکه‌ها می‌توانند حوزه‌های خصوصی و عمومی را به هم متصل سازند (ون‌دایک، ۱۳۸۳: ۸۶). بنابراین مساجد و مراکز مذهبی و معنوی به عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌های معنوی، از طریق تمرکز بر نظام ارزش‌ها و باورهای موجود و نهادینه شده در افراد، می‌تواند انگیزه‌های لازم برای پیروی از سیاست‌های مقابله با کرونا در سطح جامعه را در آنها ایجاد نماید. از این‌رو می‌توان گفت نهادهای معنوی به صورت یک شبکه، ارزش‌ها و باورهای فردی را در قالب رفتارهای جمعی در سطح عمومی و اجتماعی نمایان می‌سازند. این شبکه‌های مذهبی به دلیل برخورداری از

پایگاه‌های معنوی زمینه هدایت هنجارها و کنش‌های جمعی در جامعه را مهیا می‌سازد و از این طریق هنجارها و رفتارهای جمعی را منطبق بر سیاست‌های مقابله با کرونا قرار می‌دهد. مساجد به عنوان یک شبکه معنوی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای همراه و سازگار با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی دارند. بنابراین مجموعه اقدامات و تلاش‌های مساجد در راستای توسعه سیاست‌های بهداشتی و رعایت آنها در جامعه می‌تواند پشتوانه ارزشی و فرهنگی کارآمدی برای سیاست‌های مقابله با کرونا باشد. از سوی دیگر مساجد و مراکز مذهبی و معنوی از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردارند به طوری که نقش شاخص و الگو را ایفا می‌نمایند. در همین راستا اهتمام مساجد و نهادهای مذهبی بر رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و پیش‌قدمی آنها برای رعایت این دستورات بهداشتی، می‌تواند پشتوانه اعتقادی و حامی سیاست‌های مقابله با کرونا قرار گیرد. به عنوان مثال نقش مساجد و نهادهای مذهبی به منظور توسعه و نشر دستورالعمل‌های بهداشتی را می‌توان از مهمترین اقدامات این نهادها در رعایت سیاست‌های مقابله با کرونا لحاظ کرد. همچنین همراهی نهادهای مذهبی با سیاست‌های مقابله با کرونا مبنی بر تعطیلی اجتماعات معنوی در ایام فراگیری کرونا را می‌توان از اقدامات ارزشمند این نهادها برای مقابله با کرونا دانست. از این‌رو نهادهای مذهبی را می‌توان به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد.

۲۳۰

۳-۴. اخلاق شهروندی

اخلاق و سیاست هر دو درصدد تأمین سعادت انسان هستند و نمی‌توانند ناقض یکدیگر باشند. بنابراین اخلاق و سیاست پیوسته با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند (عیوضی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). اخلاق شهروندی یک بُعد از اخلاق می‌باشد که کارکرد عمده آن در عرصه‌های اجتماعی است. در این پژوهش، اخلاق شهروندی به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا از مضامین سازمان‌دهنده «تمرکز بر اخلاق اجتماعی» و «محور قرار دادن ارزش‌ها» شکل گرفته است.

اخلاق شهروندی در بعد نگرشی و رفتاری، ناظر به نگرش‌ها و رفتارهای ملازم با رعایت حقوق دیگران است. به همین دلیل مشارکت و احساس مسئولیت نسبت به مسائل شهر و محل سکونت را از شاخص‌های اخلاق شهروندی برمی‌شمارند (آروین و قماشلویان، ۱۳۹۷:

(۱۷۱). رعایت حقوق دیگران و احساس مسئولیت نسبت به آن و مسائل مربوط به حوزه جمعی و اجتماعات بشری، ویژگی برجسته در تبیین مفهوم اخلاق شهروندی محسوب می‌شود. از این رو به هر نوع مشارکت و قانونی که از نظر افراد جامعه دارای ارزش باشد و بتواند جامعه را در مسیر تعالی قرار دهد و تنش‌ها را از بین ببرد، اخلاق شهروندی نامیده می‌شود. در اینصورت اخلاق شهروندی ماهیتی فرهنگی پیدا می‌کند. زیرا هم اخلاق و هم فرهنگ مبتنی بر نظام ارزش‌ها هستند و کارکرد هر دو تبلور ارزش‌ها در جامعه است.

یکی از مهمترین ارزش‌ها در اخلاق شهروندی، توجه به سلامت جامعه است. در زمانی که بیماری کرونا فراگیر شده و سلامت جامعه را به مخاطره انداخته است، اخلاق شهروندی حکم می‌کند تا مسئولیت‌پذیری جمعی در جامعه ایجاد کند. تبلور اخلاق شهروندی در جامعه موجب می‌شود تا هر یک از شهروندان خود را نسبت به عدم رعایت مسائل بهداشتی مسئول دانسته و درصدد برطرف نمودن آن باشند. در جوامعی که اخلاق شهروندی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد، شهروندان نسبت به مسائل بهداشتی مرتبط با کرونا حساسیت نشان داده و در برابر ناهنجاری‌های بهداشتی واکنش نشان می‌دهند. شهروندان با ارائه تذکر به افرادی که دستورالعمل‌های بهداشتی را در سطح جامعه مراعات نمی‌کنند، می‌توانند نوعی فشار اجتماعی برای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش سیاست‌های مقابله با کرونا نیازمند نوعی فشار و کنترل جمعی است. این فشار و کنترل جمعی می‌تواند به عنوان یک ابزار کارآمد برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا لحاظ شود. اخلاق شهروندی از طریق ایجاد حس مسئولیت برای شهروندان در قبال ناهنجاری‌های بهداشتی، می‌تواند به عنوان یک عامل فرهنگی تأثیرگذار برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا قرار گیرد. این عامل می‌تواند تأثیراتی به مراتب بیشتر از تأثیرات قانونی برای رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی داشته باشد. در واقع اخلاق شهروندی بیانگر این نکته است که افراد از روی ترس، به قوانین و سیاست‌های مقابله با کرونا ملتزم نمی‌شوند. بلکه پابندی به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است که آنها را ملزم به رعایت سیاست‌های مقابله با کرونا می‌نماید. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، استفاده از ظرفیت اخلاق شهروندی در جامعه است. از این رو با توسعه و گسترش اخلاق شهروندی، می‌توان اجرای سیاست‌های

مقابله با کرونا را تسهیل نمود. در این پژوهش اخلاق شهروندی به عنوان یک عامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا می‌تواند انگیزه‌های ارزشی و درونی عامه مردم برای انطباق رفتارهایشان با سیاست‌های بهداشتی کرونا را ایجاد و گسترش دهد. در اینصورت می‌توان با اطمینان کامل، در انتظار نتایج مطلوب از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بود.

۴-۴. اعتماد عمومی

اعتماد عمومی از مضامین سازمان‌دهنده «جلب اعتماد عامه مردم» و «تمرکز بر مشارکت و همراهی مردم» ایجاد شده است. اعتماد عمومی از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شود که ریشه در سال‌های دیرینه تاریخ بشر دارد. اعتماد عمومی بیانگر باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶). به عبارت دیگر اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی. به همین دلیل به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است (الوانی و دانائی فرد، ۱۳۸۰: ۹). اعتماد ریشه در بافتارهای فرهنگی دارد؛ از این رو ماهیتی فرهنگی دارد و در زمره عوامل فرهنگی مطرح می‌شود. امروزه اعتماد عمومی به عنوان قدرت نرم، می‌تواند دارای تأثیرات شگرف در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا باشد. به عبارت دیگر اعتماد عمومی را می‌توان ضامن اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد. اعتماد عمومی سطح مشارکت و همراهی مردم با سیاست‌های مقابله با کرونا را افزایش می‌دهد. به همین دلیل اعتماد مردم اگر به سیاست‌های بهداشتی کاهش یابد به همان میزان شاهد کاهش رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی خواهیم بود. در واقع اعتماد عمومی موجب می‌شود تا الزامات بهداشتی در فراگیری کرونا بهتر و دقیق‌تر اجرا شود. از سوی دیگر اعتماد عمومی می‌تواند اخبار جعلی که آرامش روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد بی‌تأثیر ساخته و مانع تأثیرات مخرب آنها شود. در فضایی که رسانه‌های مجازی بی‌قید و شرط در حال فعالیت و شیطنت هستند، یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند اخبار و شایعات آنها را بی‌تأثیر نماید، افزایش سطح اعتماد عمومی مردم به سیاست‌های بهداشتی در مقابله با کرونا می‌باشد.

یکی از موضوعاتی که در پیشبرد و اجرای سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا می‌تواند ایفای نقش نماید، نگرش مردم به سیاست‌های اتخاذی نهادهای ذی‌ربط می‌باشد، برای ایجاد نگرش‌های همراه و سازگار با سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا، اعتماد عمومی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. آن دسته از نهادهای سیاستگذار که توانسته‌اند اعتماد عمومی را جلب نمایند، می‌توانند نگرش مردم را نسبت به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مورد هدایت و جهت دهی قرار دهند.

فراگیری کرونا که یک بحران اجتماعی محسوب می‌شود نیازمند مشارکت و همراهی آحاد افراد جامعه می‌باشد، این مشارکت و همراهی جمع‌ی زمانی امکان پذیر است که، اعتماد عمومی در جامعه شکل گرفته باشد. مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف در دوران فراگیری کرونا می‌تواند حکایت از نوعی اعتماد عمومی به نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط باشد. این اعتماد که به منزله سرمایه اجتماعی برای سازمان‌های ذی‌ربط محسوب می‌شود، نقشی بی‌بدیل و مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا دارند. از این‌رو سیاستگذاران در این عرصه باید مراقبت این اعتماد عمومی باشند زیرا به میزانی که اعتماد عمومی مخدوش شود، به همان میزان اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا با مشکل و چالش‌هایی جدی مواجه خواهد شد. در نتیجه سیاستگذاران از اعتماد عمومی برای حمایت و پشتیبانی مردمی در راستای تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا بی‌بهره خواهند ماند.

اعتماد عمومی می‌تواند مشارکت و همراهی مردم را در تمام مراحل سیاستگذاری برای سیاستگذاران به ارمغان آورد. با توسعه و گسترش اعتماد عمومی، می‌توان زمینه‌های همکاری و همراهی شهروندان برای مقابله با کرونا را مهیا ساخت. اعتماد عمومی مردم به سیاست‌های مقابله با کرونا که توسط دولت و نهادهای ذی‌ربط اتخاذ می‌شود، زمینه تعهد و پایبندی به سیاست‌ها را فراهم می‌سازد. هر چه اعتماد عمومی مردم نسبت به سیاست‌های مقابله با کرونا افزایش یابد سطح آگاهی آنها در احساس مشکل افزایش می‌یابد و در ریشه‌یابی مشکلات می‌توانند ایفای نقش نمایند. اعتماد عمومی انگیزه شهروندان در اجرای راه‌حل‌های انتخابی و پذیرش آن برای مقابله با کرونا را به میزان قابل توجهی ارتقاء و تسهیل می‌نماید. سیاست‌های مقابله با کرونا در صورتیکه از اعتماد عمومی برخوردار باشند، مردم بیشتر به سیاستگذاران این عرصه باور داشته و تمایل بیشتری برای همراهی و مشارکت با

سیاست‌ها خواهند داشت. بنابراین به منظور اطمینان از اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا توسط مردم، تمرکز بر سطح اعتماد عمومی موجود در جامعه ضرورتی انکارناپذیر است.

۵-۴. همسویی با نظام‌های فرهنگی

عامل همسویی با نظام‌های فرهنگی از مضامین سازمان‌دهنده «تأثیر زمینه‌های فرهنگی در اجرای سیاست» و «توجه به تعارض‌های درون‌سیاستی» تشکیل شده است. همسویی در واقع پاسخی است به مشکل از هم‌گسیختگی و فرسایش‌های موجود در سیاستگذاری‌های نهادها و سازمان‌های دولتی. به همین دلیل همسویی، به عنوان نقطه‌کانونی در سیاستگذاری‌ها محسوب می‌شود (حمیدی‌زاده، و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۲). همسویی به عنوان یکی از ملزومات اجرای^۱ سیاست‌ها و راهبردها در سطح کلان مورد توجه مدیران قرار می‌گیرد (طبرسا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹۰). همسویی تلاش می‌کند تا تعارض و تضادهای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای سازمان را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. با توجه به اینکه اجرای سیاست‌ها مهمترین اقدام در سیاستگذاری محسوب می‌شود (دنه‌پارت، ۱۳۸۸: ۲۲۳)؛ همسویی باعث می‌شود تا سیاست‌ها در مرحله اجرا، کمتر با تعارضات و تضادها مواجه شوند و یا زمینه بروز چنین تعارضات و تضادها را از بن برکنند. یکی از موانع بسیار مهم در تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقابل و تعارض سیاست‌ها با فرهنگ و نظام فرهنگی است. به عنوان مثال سیاست‌های دستگاه‌های ذی‌ربط از قبیل وزارت بهداشت، وزارت علوم و آموزش و پرورش و ستاد ملی کرونا در برخی از موارد ناسازگار و ناهمسو می‌باشد. این ناهمسوئی موجب بروز آشفتگی و سردرگمی و در نتیجه بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. این ناهمسوئی حکایت از یک ضعف فرهنگی در سطح کلان در بین سازمان‌های مرتبط با مسئله کرونا می‌باشد. در واقع تناقض و تضاد موجود در سیاست‌های چندگانه سازمان‌ها و نهادهای دولتی که غالباً مشاهده می‌شود، در دوران فراگیری کرونا به وضوح قابل درک بود و تأثیرات نامطلوبی را در جامعه ایجاد نمود. در بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، یکی از دلایل مهم در عدم اجرا و تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا، همین ناهمسوئی موجود می‌باشد. در همین راستا، همسویی سیاست‌های مقابله با کرونا با نظام‌های فرهنگی به عنوان

یک عامل فرهنگی محسوب می‌شود.

در برخی موارد ناهمسویی سیاست‌های مقابله با کرونا با نظام‌های فرهنگی جوامع، می‌تواند این سیاست‌ها را در اجرا با مشکل مواجه سازد. به همین دلیل نمی‌توان نقش نظام‌های فرهنگی را در اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا نادیده انگاشت. سیاست‌هایی که همسو با فرهنگ و نظام فرهنگی جوامع هستند، می‌توانند از پشتوانه‌های حمایتی خوبی برخوردار باشند. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، تحقق سیاست‌های مقابله با کرونا در صورتی که در تقابل و تعارض با فرهنگ جامعه باشند، مورد بی‌مهری قرار گرفته و هیچ شانس برای موفقیت در اجرا نخواهند داشت. در مقابل، آن دسته از سیاست‌های مقابله با کرونا که با فرهنگ جامعه همگن هستند، اطمینان بیشتری برای تحقق آن سیاست‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر همسوئی سیاست‌ها با فرهنگ باعث می‌شود تا سیاست‌ها توسط فرهنگ حمایت شوند به همین دلیل در این پژوهش یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، همسوئی سیاست‌ها با نظام‌های فرهنگی موجود در جوامع می‌باشد.

۴-۶. تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق

هر سیاستی ممکن است با یکسری مخالفت‌هایی مواجه شود که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی دارد. همچنین برخی فرهنگ‌ها و پاره فرهنگ‌ها می‌توانند عامل تأثیرگذاری برای اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا محسوب شوند. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش یکی از عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق می‌باشد. این عامل به عنوان یک مضمون فراگیر از مضامین سازمان‌دهنده «تشویق فرهنگ‌های همراه با سیاست» و «وجود مخالفت‌های فرهنگی» انتزاع شده است. پاره فرهنگ به گروهی از مردم که در دل یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند اما ارزش‌ها و هنجارهایشان با فرهنگ مادر متفاوت است خرده فرهنگ یا پاره فرهنگ نامیده می‌شوند. پاره فرهنگ‌ها به‌رغم ارزش‌ها و هنجارهای متمایزشان بعضی از اصول بنیادین فرهنگ مادر را حفظ می‌کنند (جنسن، ۱۳۹۶: ۳۱) دنیای امروز به دلیل توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، باعث شکل‌گیری تکثر فرهنگی گشته است. به همین دلیل در چنین جوامعی انواع پاره-فرهنگ‌ها یا خرده فرهنگ‌ها را می‌توان مشاهده نمود.

وجود فرهنگ‌های مختلف و به عبارتی پاره‌فرهنگ‌های متعدد در جوامع، زمینه بروز ناسازگاری و مخالفت با برخی از سیاست‌ها می‌شود. سیاست‌گذاران برای مقابله با کرونا، نمی‌توانند نسبت به این پاره فرهنگ‌ها بی‌تفاوت باشند. پاره فرهنگ‌هایی که مبانی فکری و ارزشی‌شان با سیاست‌های اتخاذ شده در حوزه مقابله با کرونا، هماهنگ و سازگار باشد، می‌توانند به عنوان یک پاره‌فرهنگ موافق مطرح شوند. از این رو یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا، تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌هایی است که با سیاست‌های مقابله با کرونا همراه و سازگار هستند. این عامل فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که به منظور ایجاد نتایج مطلوب از سیاست‌های مقابله با کرونا، باید حمایت‌های لازم از پاره فرهنگ‌های موافق به عمل آید. حمایت و تقویت از پاره فرهنگ‌های موافق می‌تواند زمینه کاهش تعارض و تقابل برخی از پاره فرهنگ‌های مخالف را نیز فراهم نماید که از این طریق می‌توان نسبت به مدیریت و هدایت پاره فرهنگ‌های موجود در جامعه اقدام نمود.

در بررسی‌های انجام شده در این پژوهش برخی فرهنگ‌های مخالف با طب نوین، عامل مهمی برای مقابله با سیاست‌های بهداشتی بودند و موجب می‌شد تا بخشی از ظرفیت‌های کادر درمان و نهادهای اجتماعی درگیر، مقابله با آنها شود. در مقابل برخی فرهنگ‌ها نه تنها به نظرات کارشناسی سیاست‌گذاران این عرصه احترام گذاشت بلکه در حد توان خود به مدد و یاری مراکز و نهادهای بهداشتی برآمدند. حضور گروه‌های جهادی در مراکز مختلف بهداشتی و بیمارستان‌ها حکایت از فرهنگ موافق و همراهی سیاست‌های بهداشتی مقابله با کرونا دارد. تشویق و حمایت این گروه‌ها و فرهنگ‌های همراه می‌تواند زمینه را برای مشارکت و همراهی سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها نیز مهیا نماید. در این پژوهش یکی از عوامل فرهنگی که نقش قابل توجهی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا دارد، با عنوان تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق مورد توجه قرار گرفت. حمایت و تقویت این فرهنگ‌ها و گروه‌های فرهنگی، موجب می‌شود تا ظرفیت‌های بالقوه‌شان در مسیر تحقق و اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا و ایمن سازی جامعه به کار گرفته شود.

۵. نتیجه گیری

اگرچه مطالعات گسترده‌ای پیرامون کرونا و مدیریت آن در جامعه انجام شده است. ولی تا کنون هیچ پژوهشی به عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا

نپرداخته است. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا انجام شد. در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود که چه عوامل فرهنگی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا تأثیرگذار می‌باشند؟ عوامل فرهنگی شناسایی شده در این پژوهش که عبارتند از: «برجسته سازی»، «نهادهای مذهبی»، «اخلاق شهروندی»، «اعتماد عمومی»، «همسوسازی سیاست‌های فرهنگی و بهداشتی» و «تقویت و حمایت از پاره فرهنگ‌های موافق و سازگار» هر یک می‌توانند سیاست‌گذار برای مقابله با کرونا را مورد حمایت قرار دهند. این عوامل فرهنگی به دلیل برخورداری از پایگاه اجتماعی و ریشه در نظام ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های مردمی، می‌تواند روحیه مشارکت مردمی برای مقابله با کرونا و انطباق با سیاست‌های مقابله با کرونا را ارتقاء و توسعه دهد. بنابراین عوامل فرهنگی شناسایی شده در این پژوهش که در مرحله فراسیاستگذاری تحلیل می‌شوند، تأثیرات قابل توجهی بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا دارند. فراسیاستگذاری از طریق تحلیل ارزش‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی، زمینه اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا را فراهم می‌سازد. از این‌رو هر یک از عوامل فرهنگی شناسایی شده در این پژوهش را می‌توان در زمره آن دسته از عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های مقابله با کرونا برشمرد که مربوط به مرحله فراسیاستگذاری می‌باشد.

گاهی ممکن است در فرایند سیاستگذاری‌های عمومی و اجتماعی، برخی موضوعات و عوامل مهم مورد غفلت واقع شده و از دید سیاستگذاران مغفول واقع شوند. عوامل فرهنگی که از پردازش ارزش‌ها، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و مسائل مرتبط با آن انتزاع می‌شود معمولاً ممکن است کمتر مورد توجه در سیاستگذاری‌ها قرار گیرد و یا مورد بی‌مهری واقع شوند. این پژوهش سعی نمود با بررسی خبرگانی برخی از مهمترین عوامل فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا را شناسایی و مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

۱-۵. پیشنهادات

هر موضوع پژوهشی به مثابه دریایی بی‌کرانه است که وقتی پژوهشگر وارد آن می‌شود و در آن غور می‌نماید، علاوه بر دست‌یابی به پاسخ مناسب و اهداف خویش، روزه‌های جدیدی از موضوعات و مسائل پژوهشی برای وی رخ می‌نماید. پژوهشگر پس از اتمام این پژوهش برخی موضوعات مرتبط با مسئله پژوهش مذکور را برای پژوهشگران علاقمند در

این حوزه پیشنهاد می‌نماید. به نظر پژوهشگر موضوعاتی که در ذیل عنوان می‌شوند از اهمیت ویژه‌ای برای تحقیق و بررسی برخوردارند:

- نقش عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه و ترویج رویکردهای سیاستگذاری مشارکتی بررسی شود. امروزه به دلیل تغییرات فرهنگی در جوامع، رویکردهای سیاستگذاری مشارکتی بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. در این بین عوامل فرهنگی می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه رویکردهای سیاستگذاری مشارکتی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد.
 - هر یک از عوامل فرهنگی ۶گانه شناسائی شده در این پژوهش را می‌توان به صورت یک مدل لایه‌ای مورد بررسی قرار داد. تبیین این عوامل ۶گانه فرهنگی مؤثر بر سیاست‌های مقابله با کرونا نشان می‌دهد که چه رابطه‌ای بین خود این عوامل فرهنگی وجود دارد و کدام عوامل بر سایر عوامل فرهنگی تأثیرگذار و کدام‌ها تأثیرپذیرند. با این پژوهش می‌توان نقش هر یک از این عوامل فرهنگی را در سیاست‌های مقابله با کرونا تبیین نمود.
- در این بین چند پیشنهاد کاربردی نیز برای مدیران و سیاستگذاران در این حوزه پیشنهاد می‌شود:
- از ظرفیت‌های مساجد، حسینیه‌ها و بقاع متبرکه برای اجرای کارآمد و اثربخش سیاست‌های مقابله با کرونا استفاده نمود.
 - نهادهای ذی‌ربط تلاش گسترده‌ای برای نهادینه‌سازی اخلاق شهروندی انجام دهند تا از این طریق میزان التزام اخلاقی مردم به سیاست‌های مقابله با کرونا افزایش یابد.

منابع

۱. آروین، بهاره، قماشلویان، مسلم، (۱۳۹۷)، بررسی راهبردهای ارتقاء اخلاق شهروندی در شهر تهران، راهبرد اجتماعی و فرهنگی، شماره ۲۹، صص ۱۴۷-۱۸۶.
۲. الوانی، مهدی، دانائی‌فرد، حسن، (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۲۷-۵.
۳. پارسونز، واین، (۱۳۸۵)، مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. جاسبی، عبدالله، انصاری، محمد اسماعیل، (۱۳۷۵)، نقش مساجد در اداره امور عمومی، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، شماره ۳۱، صص ۱۷-۵.
۵. جنسن، مریام ایوان، ن. دان، پیتر، (۱۳۹۶)، روایت‌آمیزی در دن‌کیشوت، بهروز قیاسی. تهران، نشر اطراف.
۶. حمیدی‌زاده، علی، دانائی‌فرد، حسن، معافی، مهدی، اخوان‌علوی، سید حسین، (۱۳۹۷)، پیشایندهای ظرفیت‌های هماهنگی خط مشی‌های ملی در ایران: واکاوی سه‌گانه سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و ذهن‌افزاری، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۷۹-۲۰۲.
۷. دنهارت، رابرت بی، (۱۳۸۸)، تئوری‌های سازمان دولتی، الوانی، سیدمهدی، دانائی‌فرد، حسن، تهران، صفار.
۸. دین، هارتلی، (۱۳۸۸)، سیاستگذاری اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۲)، زمینه‌ی فرهنگ شناسی، تهران، علمی.
۱۰. ریشه، گی، (۱۳۶۶)، کنش اجتماعی، زنجان‌ی زاده، هما، ققنوس.
۱۱. سعیدی رضوانی، عباس، (۱۳۶۸)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی (مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی)، مشهد، آستان قدس بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. شاکری، مجتبی، (۱۳۸۴)، رسانه‌های جمعی و انتخابات ریاست جمهوری، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۳. شهبازی، مهدی، درویش، حسن، زارعی، فرهاد، (۱۳۹۱)، تأثیر پاسخگویی عمومی بر بهبود

- اعتماد عمومی شهروندان، فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی، سال اول شماره ۱، صص ۶۳-۵۳
۱۴. طبرسا، غلامعلی، حاج کریمی، عباسعلی، گنجعلی، اسدالله، (۱۳۸۶)، طراحی الگوی همسوسازی استراتژی مدیریت منابع انسانی و استراتژی کسب و کار، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۱۲.
۱۵. عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۳)، اخلاق و سیاست، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۰، صص ۱۰۰-۱۳۱.
۱۶. قمشیان، میثم، (۱۳۹۸)، روش‌های سیاستگذاری فرهنگی در تغییر رفتار، تهران، جامعه شناسان و روش شناسان.
۱۷. لازار، ژودیت، (۱۳۸۵)، افکار عمومی، مرتضی کتبی، تهران، نی.
۱۸. نادری، محمد، ابروش، رضا، (۱۳۹۲)، بررسی اثربخشی فرهنگ اسلامی بر امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش ملی اسلام امنیت پایدار و پلیس، دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۱۹. ون‌دایک، جان، (۱۳۸۳)، سیاستگذاری در جامعه شبکه‌ای، فصلنامه رسانه، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۸۵-۱۲۰.
۲۰. هولستی، ال. آر، (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، نادر سالار زاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. Attride-Stirling, J. (۲۰۰۱). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, ۱(۳), ۳۸۵-۴۰۵
۲۲. Braun, V and Clarke, V (۲۰۰۶) Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, ۳ (۲). pp.۷۷-۱۰۱ .
۲۳. Dror. Yehezkel, (۲۰۱۷), *Public Policy Making Reexamined*, Taylor and Francis.
۲۴. Johnson, R Burke, (۱۹۹۷), *Examining the Validity Structure of Qualitative Research*, education, vol ۱۱۸, no ۲, pp ۲۸۲-۲۹۱.
۲۵. Maguire. Moira & Delahunt. Brid, (۲۰۱۷) *Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars*, AISHE-J: The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education, Vol ۹, No ۳,

pp۳۳۵۱-۳۳۶۴.

۲۶. Maxwell. J, (۱۹۹۲), Understanding and validity in qualitative research, Harvard Education review. Vol ۶۲. No۳.pp۲۷۹-۳۰۰.
۲۷. McKee. Martin,(۲۰۲۰), A European roadmap out of the covid-۱۹ pandemic, on the World Wide Web: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۳۲۳۰۳۴۹۲/>
۲۸. Namey. E, Guest. G, Thairu. L, Johnson. L,(۲۰۰۷) Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets, Handbook for Team-based Qualitative Research, Publisher: AltaMira Press,pp۱۳۷-۱۶۲.

